

## چند خصالت از سعید نفیسی

بقام آقای دکتر عیسی صدیق

سناتور و استاد دانشکده ادبیات

آشنائی من با سعید نفیسی از ۱۲۹۷ خورشیدی و همکاری من با او از ۱۳۰۴ آغاز شد. در آن تاریخ من معلم مدرسه حقوق و دارالمعلمین بودم و پس از نمایندگی در مجلس مؤسسان (در آذر ماه ۱۳۰۴) ریاست کابینه وزارت فواید عامه را موقتاً بر عهده گرفته بودم. وزارت فواید عامه وظایف چهار وزارتخانه راه و کشاورزی و بازرگانی و صنایع را انجام میداد و در آنجا سعید نفیسی ریاست کارگزینی را بر عهده داشت. هر وقت گزارشی بامضای سعید نفیسی بکابینه میرسید من از انسجام و منطق و روشنی آن در شگفت میشدم تا روزی از او پرسیدم با آن همه فضل و بلاغت چرا در وزارت فواید عامه بخدمت مشغول است و بوزارت معارف وارد نشده و او علت را اتفاقات و حوادث روزگار ذکر کرد. سؤال کردم اگر انتقال او بوزارت معارف میسر شود آیا بدان تمایل دارد و او جواب مثبت داد. از پیرو دو ماه بعد که مدرسه تجارت در وزارت فواید عامه تأسیس گردید سعید نفیسی بمعلمی منصوب و از او آخر ۱۳۰۴ بتدریس مشغول شد.

در خرداد ۱۳۰۵ دولت عوض شد و من بوزارت معارف باز گشتم و از آبانماه معاونت اداره کل معارف را بر عهده گرفتم. سه ماه بعد که سید محمد تدین وزیر معارف شد رضا شاه را به تفسیر و اجرای اصل ۱۹ متمم قانون اساسی متقاعد کرد و مقرر گردید که تمام مدارس بااستثنای مدارس نظام در تحت ریاست و مراقبت وزارت معارف قرار گیرد. لذا مدرسه تجارت و مدرسه سیاسی بامعلمان و بودجه از وزارت فواید عامه و امور خارجه بوزارت معارف انتقال یافت و همکاری من با سعید نفیسی که از او آخر ۱۳۰۴ آغاز شده بود تا پایان عمر آن مرحوم ادامه پیدا کرد: پس از مدرسه تجارت در دانش سرای

عالی و دانشکده ادبیات سپس در کنگره فردوسی و فرهنگستان ایران و سازمان پرورش افکار و شورای فرهنگی سلطنتی .

در مدت چهل سال همکاری با سعید نفیسی چند خصالت پسندیده در او دیدم که مناسب است در اینجا مختصراً ذکر شود .

نخستین خصالت ممتاز او سادگی بود در زندگانی . هیچگاه بجاه و جلال و تجمل و شکوه تمایل نداشت . از حیث غذا و لباس و مسکن بحد اقل قانع بود و در معاشرت بی تکلف . تا آنجا که اطلاع دارم او نخستین نویسنده‌ای بود که از آغاز بر پشت جلد تألیفات خود از استعمال عنوان و لقب و کلمات آقا و میرزا و خان که همه جا معمول و متداول بود احتراز می‌جست و بذکر « سعید نفیسی » اکتفا میکرد .

دومین خصالت ممدوح او پشت کار و فعالیت بی‌حد و حصر بود . بسیار کم استراحت داشت و دقیقه‌ای از عمر را تلف نمیکرد . در حضر و سفر همواره بمطالعه و تدریس یا تألیف و انتشار کتاب می‌پرداخت . وقتی در تهران بود در آن واحد دوسه کتاب زیر طبع داشت و شخصاً آنها را تصحیح میکرد . در سفر شیراز بکازرون و بوشهر در فروردین ۱۳۱۹ - در سفر هندوستان در آذرماه ۱۳۲۸ - در سفر آمریکا برای شرکت در چهارمین کنگره بین‌المللی هنر و باستان‌شناسی ایران در اردیبهشت ۱۳۳۹ که باهم بودیم همواره کتاب مطالعه میکرد . من از تألیفات او آمار صحیحی در دست ندارم ولی تردید نیست که عده زیادی کتاب تدوین کرده یا از متون قدیم تصحیح و تنقیح کرده و چند صد مقاله نوشته است .

سومین خصالت بارز او عشق بجمع‌آوری کتاب بود و با زحمات بسیار کتابخانه با ارزش و جامعی فراهم آورد . هر جا کتابی سراغ میکرد بامانت میگرفت . اگر خطی بود استنساخ مینمود و اگر چاپی کوشش میکرد نظیر آنرا بدست آورد . در سفر هندوستان در ۱۳۲۸ که چندی باهم بودیم خبر دادند که نزدیک شهر علیگره در قصبه‌ای بنام حبیب گنج کتابخانه‌ای است با چند هزار جلد کتاب خطی و چاپی بفارسی ، از آن

یک نفر ایرانی که در قدیم از شیروان (خراسان) به هندوستان رفته و در آنجا سکنا گزیده است. در اثر تمایل شدید نفیسی بدانجا رفتیم. در اطراف حیاطی که مبدل باصطبل و سرگین زار شده بود چند اطاق مملو از کتاب بود ولی هوای سوزان و گزنده و میلیونها مگس و پشه توقف در آن محل را غیر ممکن میساخت معذکک عشق سعید نفیسی باعث شد که مدتی تمام مشقات طاقت فرسارا تحمل کند تا از یک کتاب خطی نسخه بردارد. با اینکه کتاب را بازجما بسیار بدست میآورد از امانت دادن آن دریغ نمیکرده با گشاده روئی بطالبان علم بعاریت میداد.

بعلاوه اسامی کتب و مؤلفین بطوری در حافظه اش نقش میبست که خود چون کتابخانه متحرکی بود و جویندگان از آن بهره وافیه میبردند.

چهارمین صفت برجسته او در تألیفاتش مشهود است و آن شیرینی و شیوایی و روانی انشاء اوست که با سرعت و بطور طبیعی از وجودش تراوش میکرد. بقول بوآلو Boileau شاعر و منقذ شهیر فرانسوی هر نویسنده برای شعر و گفتار و کتاب خود پیشنویس تهیه میکند - چندین بار در آن دست میبرد و حکک و اصلاح میکند تا جرئت عرضه داشتن آنرا پیدا کند. سعید نفیسی همین که قلم روی کاغذ میگذاشت بدون مکث و توقف بجای میرفت و با کمال سرعت جمله هارا پشت سر یکدیگر مینگاشت و در بسیاری از اوقات از فرط اطمینان بخود بدون مرور بمذیر مجله یا مطبعه میداد.

پس از چهل سال همکاری و مصاحبت از دست دادن سعید نفیسی بسیار تألم آوراست لیکن بحکم طبیعت افراد بشر کاروان واحدی هستند که هر یک بنوبه بدیگر سرا خواهند شتافت. بهنگام درگذشتن کسی که منشأ اثر نیک بوده خرسند و سرافراز است و باز ماندگان و یاران او تا اندازه ای وسیله تسلیت دارند. بقول سرمد:

در گردش زمانه و پایان زندگی غم نیست کآدمی بسرای دگر گذشت

غم آن بود که آدمی اندر زمین عمر تخم حیات کشت ولی بی ثمر گذشت

آثار بیشماری که از سعید نفیسی بجای مانده تنها مایه تسلی همکاران و یاران اوست.